

وقتی که خانمها هوس و کالت میکنند!

این مقاله را نشریه ماهانه «مکتب اسلام» درباره فعالیت های اخیر زنان ایرانی برای بدست آوردن حق رای منتشر کرده و ماضی نقل آن آماده چاپ پاسخ مستدل و منطقی خانمها باین نوشته میباشیم

معمولا هر وقت سخن از وکالت میان میآید دهان «منتظر الوکاله ها» بمقتضای «وصف العیش نصف العیش» آب میافتد، اخیراً «منتظر الوکاله ها» هم با آنها اضافه شده اند.

منتظر الوکاله ها همان چند نفری از بانوان هستند که هر یک مدودی را دور خود جمع کرده و جمعیت های توغالی با اسامی و القاب درشت و پر آب و تاب تشکیل داده اند و عنوان نمایندگی تام الاختیار بانوان ایران را هم بخود بخشیده اند؛ و خود را وکیل مدافع حقوق حقه زنان رنج دیده ایران معرفی میفرمایند!

این چند نفر بامید اینکه روزی چند کرسی و کالت هم در اختیار آنها گذاشته شود و با اصطلاح از این نمذ کلاهی هم بآنها داده شود حد اکثر کوشش و فعالیت خود را بخرج میدهند در هر محفل و مجلس می نشینند بیاد «خواهران ستم دیده خود و حقوق از دست رفته آنها» نوحه سرامی میکنند.

ضمناً برای اینکه گفته شود: «این خانمها اروپا دیده اند» گاهگاهی سفری بآنجا کرده و گردش و تفریح و سیر تماشائی بعمل می آورند و با اصطلاح روز «مطالعه» میکنند و بایکدی معلومات تازه! بمیبین عزیز

خود باز میکردند و مصاحباتی هم بعمل میآوردند .
 هر وقت سروصدای در باره انتخابات بلند میشد آنها هم چند نفر
 اطرافیان خود را تحریک میکنند و سروصدای تازه ای در گوشه و کنار برآید
 میآید ازند؛ چند روز نامه نویس معلوم الحال هم بعضی که شاید احتیاج بتذکر
 نداشته باشد گفته های آنها را - با آب و تاب منعکس میسازند و دلسوزی
 می کنند .

یکی از این صحنه سازیها چند روز قبل تکرار شد و گروه عظیمی
 (گروهی که تعدادشان از پانزده نفر تجاوز نمی کرد) باشعارهای آتشین
 و داغ درب مجلس سنا اجتماع کردند و حقوق از کف رفته خود را با جوش
 و حرارت غریبی بازخواست مینمودند، و بالاخره این تظاهرات دامنه دار
 با چند شوخی و متلک سنا تورها در باره «مقدار واقعی سن بانوان» اختامه
 پذیرفت، لابد اخبار مر برط باین تظاهرات عظیم را با حروف درشت در
 صفحه اول همان روزنامه ها مطالعه فرمودید .

وکیل بی موکل!

ما کار باین افراد و داعیه و مقاصد آنها نداریم، بقول بعضی چون
 فعلا آزادی است بگذارید آنها هم هر چه میخواهد دلشان بگویند. ولی
 مطلبی که برای ما لاینحل مانده؛ اینست که معلوم نیست که این مقام
 نمایندگی یا قیومت و ولایت تکلیف بدنه ملیون زنان ایران را چه کسی بآنها
 داده است و طبق کدامیک از قوانین دنیا آنها چنین حقی را برای خود قائل
 شده اند تنها جوابی که برای این سؤال بنظر میرسد اینست که آنها خیال
 میکنند زنان و بانوان ایران فقط همان چند نفری هستند که دور آنها را
 گرفته اند و بقیه یا اصلاً وجود ندارند یا در نظر آنها جزء آدم حساب
 نمیشوند!

ولی باید بآنها حالی کرد که غالب زنان ایران نه تنها از کارهای
 آنها خوششان نمیآید بلکه متنفر و بیزارند و راه تحقیق در این باره هم
 چندان دشوار نیست؛ اکثریت قریب باتفاق زنان ایران ترجیح میدهند
 خانه دار باشند و زندگی خانوادگی و تربیت نسل آینده را بر همه چیز
 ترجیح میدهند .

دلیل این موضوع روشن است، مدتهاست آزادیهای گوناگون

بانهادارده شده بطوریکه میتوانند در اکثر شغلها و کارها شرکت کنند ولی جز تعداد محدودی از این حق استفاده نکرده و زندگی خانوادگی را ترجیح داده اند .

ثمرات آزادی فعلی

زنان ایران مسلمانند و غالب آنها بدستورات دینی خود علاقه مندند و از این بی بندوباری و رسوائی که بدنبال آن آزادی اجتماعی بوجود آمده سخت در عذابند و از کسانی که میکوشند باین آتش فساد دامن بزنند جدا متنفرند .

امروز همه بخوبی میدانیم که عده ای از زنان اجتماع مسا بر اثر همین آزادی لعنتی که بفلسط این اسم بر آن گذارده شده، از فرق تا قدم در منجلات فساد غرقند و دسته دسته جوانان را بدنبال خود میکشاند، بطوری که این موضوع بصورت یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی مادر آمده است .

آثار این فساد و انحطاط اخلاقی که دامنگیر این دسته شده در همه جانمایان است. از آن رسوائیهای کنار دریا گرفته باجریاناتی که در کوچه و بازار و خیابان میگردد همه شاهد این مدعاست؛ مطلب باندازه ای روشن است که هر کس در آن تردید کند بقول حافظ «بر عقل و حکمت خندند مرغ و ماهی» .

آنهمه پرونده های جنایتهای جنسی که نمونه هائی از آن هر روز در صفحه حوادث روزنامه ها دیده میشود؛ آنهمه طلاق کشی، آنهمه مراکز سرسام آور فساد، آنهمه مدبر پستی و خود آرائی همه میوه های تلخ این نهال شوم است .

زنان مسلمان ایران این آثار را کراراً با چشم خود دیده اند و نتیجه آنرا چشیده اند و هرگز میل ندارند این بدبختیها توسعه پیدا کند؛ و همینهاست که زحمت استدلالات دامنه دار علمی را برای اثبات اختلاف ساختمان روحی و جسمی زن و مرد و آمادگی هر یک را برای یکنوع و وظیفه اجتماعی ازدوش مایر میدارد. راستی شرم آور است که پس از اینهمه رسوائیها باز کسی ادعا کند که زنان کشور مادر این دوران چندساله با مصطلاح آزادی؛ ترقی و پیشرفت کرده اند .

هلاک شخصیت زن در این اجتماع

بارها این سخن را گفته ایم که اگر بخواهید بدانید زنان ما بچه روز افتاده اند به بینید ملاک شخصیت و شهرت زن در میان طبقاتی که از این آزادی سهم بیشتری دارند چیست؟ آیا داشتن معلومات کافی و فضایل اخلاقی ملاک فضیلت است؟ نه زنان تحصیل کرده و دانشمند و پاکدامن و باتقوی غالباً گمنامند شخصیت و شهرت و احترام و درآمد سرشار مال یک مشت زنان معلوم الحال است که نام (هنرمند) روی خود گذارده اند و هزار گونه کثافتکاری و هرزگی را تحت این نام انجام میدهند.

در معافل آنها بیش از همه چیز صحبت از مدلباس و کفش و کلاه است هنوز پائیز نشده ب فکر مدهای زمستانی و هنوز زمستان نشده مقدمات مدهای بهاری را فراهم میسازند و بیشتر اوقات شبانه روز آنها صرف خود آرامی و تفریح و شرکت در مجالس شب نشینی و غیره میشود. نه وظیفه مادری را انجام میدهند نه کار مثبتی در اجتماع دارند و سر بار تمام معنی اجتماع، آنها هستند، این نتیجه شومی است که آزادی زن خواه ناخواه در اجتماع ما بوجود آورده است، حالا شما اسم آن را استفاده یا سوء استفاده از آزادی بگذارید برای ما فرق نمیکند.

لا بد شنیدید که در همین انتخابات گذشته، جمعی از جوانان ولگرد که خواسته بودند روحیات خود را بهمه نشان دهند بنام همان شخصیت های برجسته جامعه زنان ایران. (همانهایی که نام هنرمند بر آنها گذارده اند) رای ریخته بودند یعنی اگر روزی بنا با انتخابات بانوان شود و کلاه ما اینها هستند تادر راه فراهم ساختن وسایل شهوترانی هر چه بیشتر، در مجلس حداکثر کوشش را بخرج دهند.

اینها زنگهای خطری است که در گوشه و کنار بصدا در می آید؛ البته چالا که این صحبت ها و مبتینگها در باره انتخاب کردن و انتخاب شدن بانوان جنبه شوخی دارد منظور ما هم اینست که بانوان مسلمان مخصوصاً طبقه جوان را بیدار کنیم مبادا گول این «منتظره الو کاله» را که برای نیل بمقاصد شخصی خود؛ سنک دفاع از حقوق آنها را بسینه می زنند، نخورند و آلت اجراء مقاصد شوم آنها نشوند.

مردان مسلمان هم در این موقع که گفتگوی اصلاح قانون انتخابات است بیدار و بهوش باشند نکتہ دیگر روز این حرفها از شوخی بر سر مقدار سن تجاوز کرده و جنبه جدی بخود بگیرد!

زنان سوئیس

طرفداران شرکت زن در انتخابات معمولاً باین جمله تکیه میکنند که: «وضع فعلی زنان کشور ماشیبه وضع دوران توحش است و با عصر تمدن بشر سازش ندارد و اگر قانون اساسی بزنان اجازه شرکت در انتخابات را نداده بواسطه همین است که در موقعی تدوین شده که وضع دنیا مثل امروز نبوده».

ولی گویا اینها نمیدانند که در کشور «سوئیس» که کاملترین مظهر تمدن فعلی بشمار میرود و معروف است که تمام اهالی آنجا با سواد و درس خوانده اند و در تمدن و فرهنگ در دنیا ضرب المثل میباشند، زنها (جز در چند ایالت محدود) حق شرکت در انتخابات را ندارند، چه طور شد آنها که سردمداران تمدن جدید هستند باین نکتہ واقف نشدند! ما چند بانوی ایرانی که اگر در تمام هم‌رسان یک مرتبه (برای گردش) به سوئیس مسافرت کنند مایه افتخار و مباهات آنهاست، این مطلب را فهمیده اند؟ مگر کاتولیک از پاپ هم تصور می‌شود؟

مردان هوسباز

برای اینکه صحبت‌های مایک طرفه نباشد ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که مهمترین موضوعی که دستاویز بدست این عده میدهد همان کارهای بی‌رویه عده‌ای از «مردان هوسباز» و سوء استفاده از حقوق اجتماعی و شرعی است.

اجحافات و تعدیاتی که از ناحیه این عده مردان نسبت بطبقه زنها میشود راستی شرم آور است. اینها هستند که برای رسیدن بهوس دل‌حاضر میشوند کانون خانوادگی را از هم بپاشند همسران خود را آواره و کودکان خود را بی‌سرپرست گذارده و وسایل سقوط اخلاقی آنها را فراهم سازند اینها علاوه بر اینکه بهره‌ای از تربیت دینی و اسلامی ندارند از اصول انسانیت و بشریت هم بیخبرند. ولی برای محدود ساختن این دسته خوشبختانه باندازه کافی قوانین دینی و مدنی داریم که باید بشدت آنها اجراء شود.